

## اهمیت هجرت پیامبر اکرم(ص) در گسترش اسلام و نشر احکام قرآن

جمشید صدری\*

استادیار فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان

ندا کعبه

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ تمدن و ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد

تاکستان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۰/۲۷، تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۳/۱)

### چکیده

هجرت در تاریخ اسلام جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارد و در آیات متعددی از قرآن کریم به‌عنوان روشی برای توسعه و گسترش اسلام و خارج شدن از سلطه‌ی ظالمان و مستکبران مطرح شده است. پیامبر خدا(ص) نیز آنگاه که آزار و فشار مشرکان در مکه به‌اوج خود رسید، از این روش استفاده کرد و با بهره‌گیری از هجرت به‌عنوان یک تاکتیک، دامنه‌ی فعالیت و مبارزه‌ی خود را گسترش داد و به‌مدینه کشاند، باینکه دعوت از قریشیان حدود سیزده سال طول کشید، ولی سرانجام پیامبر(ص) به این نتیجه رسید که برای پشتیبانی از دعوت خود باید کسانی جز قریشیان را به دین خدا دعوت کند. در همین زمان مردم یثرب که پاسخ نیازهای خود را در وجود پیامبر و دعوت او یافتند، او را به یثرب دعوت کرده و شهرشان را به‌نام «مدینه‌النبی» نامیدند. هجرت پیامبر اکرم(ص) از مکه به مدینه مبدأ تحول بزرگی در پیشرفت اسلام و بالندگی و رشد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مسلمانان گردید.

---

\*. E-mail: Sadri\_jamshid@yahoo.com

واژگان کلیدی: هجرت، هجرت درونی، هجرت تبلیغی، مهاجر، ادیان  
ابراهیمی.

مقدمه

واژه‌ی «هجرت»:

دوری گزیدن از وطن، کوچ کردن از وطن خود و به جای دیگر رفتن، رفتن از شهری به شهر دیگر و در آنجا وطن کردن (عمید، ۱۳۶۴: ۱۹۶۴). بنابراین «مهاجر» کسی است که از محدوده‌ی طاغوت و استبداد خارج می‌شود تا بتواند معاشرت، تربیت و عبادت خود را متناسب با شریعت و آرمان خود ترتیب دهد: «کسی که از موطن خود به جایی نقل مکان کرده باشد؛ کسی که از مکه همراه پیغمبر به مدینه هجرت کرده» (معین، ۱۳۸۴، ج ۲: ۱۸۶۱).

۱- «هجرت» در اصطلاح:

خارج شدن از سرزمین کفر به سوی سرزمین ایمان است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۶: ۴۵۵). بسیاری از پیامبران، در طول عمر خود برای ادای رسالت خویش، اقدام به هجرت کرده‌اند. در حقیقت، رهبران الهی، هنگامی که رسالت خویش را در یک نقطه به اتمام می‌رسانند و یا محیط را آماده برای گسترش دعوت خویش نمی‌دیدند، برای اینکه رسالت آنها متوقف نگردد، دست به مهاجرت می‌زدند و این مهاجرت‌ها سرچشمه‌ی برکات فراوانی در طول تاریخ ادیان شده است تا آنجا که تاریخ اسلام از نظر ظاهر بر محور هجرت پیامبر اکرم (ص) دور می‌زند. هجرت، اسلام را از شکل منطقه‌ای بیرون آورد و به صورت جهانی قرار داد و صدای مسلمین را به گوش جهانیان رسانید.

نقد بلاغی قصر در برخی از ترجمه‌های قدیم و جدید قرآن / سیمین ولوی ، طاهره تیزغم ۱۲۵

بی‌شک هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه از مهم‌ترین حوادث «عصر نبوت» است. این اهمیت بدان روی است که هم مبدأ تاریخ اسلام از آن زمان آغاز می‌گردد و هم در پی آن اولین حکومت اسلامی پا به عرصه‌ی وجود می‌گذارد. در حقیقت، دین مبین اسلام از آن به بعد توانست حرکت اصولی و بنیادین خود را آغاز کند و اسلام در جزیره‌العرب و هم در خارج از آن حاکمیت پیدا کند.

پیامبر (ص) سیزده سال در مکه اصول اسلام را عرضه داشت، اما به دلایلی شرایط لازم برای استقرار حکومت اسلامی طی آن سالها در مکه فراهم نشد. شاید بیش از همه، موقعیت سیاسی مکه، مبتنی بر نظام طایفه‌ای و قبیله‌ای، موجبات «هجرت» را فراهم آورد. در چنین نظامی، مناصب سیاسی نه بر اساس لیاقت و درایت، بلکه بر پایه سنت و موارث گذشتگان تقسیم می‌شد و به همین سبب، استعدادهای درخشان فرصت ظهور نداشتند. موقعیت جغرافیایی مکه نیز عاملی دیگر بود که این منطقه را برای استقرار نخستین حاکمیت اسلامی نامناسب جلوه می‌داد؛ زیرا مکه اگرچه در مقایسه با سراسر عربستان آن روزگار شهر محسوب می‌شد، ولی در واقع مجموعه‌ای فاقد انسجام بود. مردم مکه، به یمن وجود کعبه و هم جواری آن، در نوعی آرامش متکی به روابط خاص، ناشی از مراسم جاهلی، روزگار می‌گذرانیدند و در دفاع از سرزمین خود متحد بودند. از سوی دیگر، از نظر جنبه‌های اجتماعی نیز دو شهر مکه و مدینه با هم تفاوت‌های آشکار داشتند. هرچه مردم مکه تاجرپیشه و عاقبت‌اندیش بودند، مدنیان کشاورزانی سخت‌کوش به شمار می‌آمدند و در برابر سختی‌ها مقاومت می‌کردند.

مجموعه‌ی این عوامل، عزم پیامبر (ص) را به هجرت راسخ کرد. البته دستورهای مؤکد دینی هم مشوق مسلمانان به هجرت بود. سفر پیامبر (ص) برای ارزیابی مردم طایف، نخستین اقدام حضرت برای برآورد امکانات موجود در شبه‌جزیره بود، اما برخورد طایفی-ها با رسول گرامی اسلام ایشان را از تشویق مسلمانان برای رفتن به طایف بازداشت. در

این میان، شرایط خاص حاکم بر مدینه میان دو قبیله‌ی اوس و خزرج و پیشینه‌ی تمدنی اهالی آنجا موجب شد تا پیامبر (ص) پس از بیعت عقبه مسلمانان را راهی مدینه کند.

### اهمیت هجرت در قرآن کریم

هجرت در بیان قرآن کریم، کوچ کردن از موطن خود که دارالکفر بوده، به جایگاه امنی است که دینداری در آن میسر باشد: «وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي سَيَهْدِينِ» (صافات/۹۹) ابراهیم علیه‌السلام گفت: من به سوی خدای خویش هجمی کن که او مرا به راه صحیح هدایت خواهد کرد». این سخن موقعی بود که وی به اتفاق خانواده‌اش از عراق به شام هجرت کرد» (حسینی دشتی، ۱۳۸۵: ۹۹۰).

قرآن کریم آن کسانی را که به منظور نجات دین خود از خانه و کاشانه آواره گشته‌اند، مکرر مورد ستایش قرار داده است و آنها را مسلمانان راستین و دارای مقام ارجمند برشمرده و در آیاتی مسلمانان را اکیداً به این امر تشویق کرده است: «وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَآغَمَا كَثِيرًا وَسَعَةً...: کسی که در راه خدا هجرت کند، جاهای امن فراوان و گسترده‌ای در زمین می‌یابد...» (نساء/۱۰۰) و از سویی کسانی را که اسلام آورده، ولی در بلاد کفر باقی مانده و هجرت ننمودند، مورد نکوهش و توبیخ قرار داده است: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِّنْ وَلَايَتِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا...: و آنها که ایمان آوردند و مهاجرت نکردند، هیچ گونه ولایت [= دوستی و تعهدی] در برابر آنها ندارید تا هجرت کنند...» (انفال/۷۲).

قرآن کریم در پاسخ کسانی که عذر آلودگی خویش را به گناه، زندگی در محیط ناسالم می‌آورند، می‌فرماید: «... قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَأَسِعَتْ فَتُهَاجِرُوا فِيهَا...: گفتند: مگر زمین خدا فراخ نبود که هجرت کنید...» (نساء/۹۷).

نقد بلاغی قصر در برخی از ترجمه‌های قدیم و جدید قرآن / سیمین ولوی ، طاهره تیزغم ۱۲۷

مطابق آیات قرآن کریم هیچ فردی در یک وضعیّت اجتماعی ظالمانه که روابط سیاسی، اقتصادی و اخلاقی آن بر مبنای ستم به حقوق عمومی استوار شده است، حقّ مسامحه و غفلت ندارد و نمی‌تواند به بهانه‌ی استضعاف در آن جامعه هضم شود. همین مضمون در بیان امام صادق (ع) در تفسیر آیه‌ی «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةً فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ» (عنکبوت/۵۶)، چنین نقل شده است: «خانه و سرزمینی که در آن معصیّت خداوند می‌شود، جای ماندن نیست» (طبرسی، ۱۳۸۰: ۲۹۱).

خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا: کسی که در راه خدا هجرت کند، جاهای امن فراوان و گسترده‌ای در زمین می‌یابد، و هر کس به عنوان مهاجرت به سوی خدا و پیامبر او از خانه‌ی خود بیرون رود، سپس مرگش فرارسد، پاداش او بر خداست، و خداوند، آمرزنده و مهربان است» (نساء/۱۰۰).

اسلام با صراحت دستور می‌دهد که اگر در محیطی به خاطر عواملی نتوانستید آنچه وظیفه دارید انجام دهید، به محیط و منطقه‌ی امن دیگری هجرت نمایید. علت این دستور روشن است؛ زیرا اسلام جنبه‌ی منطقه‌ای ندارد و وابسته و محدود به مکان و محیط معینی نیست و به این ترتیب علاقه‌های افراطی به محیط تولّد و زادگاه و دیگر علایق مختلف از نظر اسلام نمی‌تواند مانع از هجرت مسلمان باشد، لذا می‌بینیم در صدر اسلام همه‌ی این علاقه‌ها به خاطر حفظ و پیشرفت اسلام بریده شد (ر.ک؛ مکارم شیرازی، بی تا: ۸۹).

همچنین در آیه‌ی «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةً فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ» (عنکبوت/۵۶) می‌فرماید: «اگر امر دینداری برایشان مشکل شد و نتوانستند در وطن

واجبات دینی را اقامه کنند، از وطن چشم پوشیده، مهاجرت نمایند» (علامه طباطبائی، بی تا: ۲۱۶).

### انواع هجرت

جامعه‌شناسان اسلامی در فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی پنج نوع هجرت تفکیک و تعریف می‌کنند که هر کدام از اینها واجد ارزش‌های متعالی خود است. هجرت نوع اول که هجرت بی بازگشت نیز نامیده می‌شود، زمانی صورت می‌گیرد که مؤمنین در یک جامعه-ی استبدادی زندگی کنند و قادر نباشند آن را تغییر دهند و بازگشت آنها نیز هیچ گونه سودی جز اسارت مجدد و گرفتاری دوباره ندارد. لذا برای حفظ دین خود موظف هستند آن جامعه را ترک کنند. مصداق بارز چنین هجرتی اصحاب کهف هستند. آنان جوانمردانی بودند که برای حفظ دین خود و گریز از جامعه‌ی دقیانوسی از آنجا هجرت کردند و به غاری پناه بردند.

هجرت نوع دوم، هجرتی است که در آن مهاجران ضمن مبارزه با نظام ظالم حاکم بر جامعه، در صورت عدم توفیق در نابودی نظام ستمگر اقدام به هجرت می‌کنند و بعد از هجرت با نیرویی کارآمد و با قدرت بازمی‌گردند و نظام فاسد را ساقط می‌کنند که مثل اعلیٰ آن، هجرت پیامبر اکرم (ص) است.

هجرت نوع سوم، هجرت علمی است که این هجرت نیز دارای دو جنبه است: جنبه‌ی اول کسی برای تحصیل علم می‌رود که خداوند به این گونه افراد برتری و علو خاصی می‌دهد و آنها ضمن پیدا کردن آگاهی و خودآگاهی به خدمت خلق و دین خدا می‌پردازند. قسم دوم این نوع هجرت نیز برای مشاهده‌ی سرنوشت جوامع گذشته‌ی تاریخ است. خداوند می‌فرماید: در زمین تفحص کنید و ملاحظه کنید کسانی که آیات الهی را

نقد بلاغی قصر در برخی از ترجمه‌های قدیم و جدید قرآن / سیمین ولوی ، طاهره تیزغم ۱۲۹

تکذیب کردند، به چه سرنوشتی دچار شدند و چگونه عذاب الهی طومار آنها را در هم پیچید.

هجرت نوع چهارم، هجرت تبلیغی است. در این نوع هجرت کسی که به اسلام و ارزش‌ها و آرمان‌های آن ایمان آورده، باید با هجرت به اقصی نقاط جهان به تبلیغ و ترویج ارزش‌های اسلامی بپردازد.

بالآخره هجرت نوع پنجم، هجرت درونی است. این هجرتی است که هر انسانی باید در هر زمانی و مکانی مهاجر باشد و همواره از گناهان و معاصی و پلیدی‌های ظاهری و باطنی به سوی خدا هجرت کند. پاکسازی و پالایش نفس و تزکیه و خودسازی و خودآگاهی در این نوع هجرت جایگاه خاصی دارد. این هجرت مقدمه‌ی آن چهار نوع هجرت اول است و اگر این هجرت صورت نگیرد، هرگز آنها صورت نمی‌گیرند.

عوامل و زمینه‌های هجرت پیامبر اکرم (ص)

بعد از ۱۳ سال تلاش و مبارزه برای اشاعه‌ی مکتب توحید، در مکه تمامی انسان‌های پاک‌طینت، به اسلام گرایش پیدا نمودند و این ۱۳ سال نیز با توجه به گستردگی حرکت پیامبر کافی بود تا انسان‌های آزادیخواه با قدرت تفکر و اندیشه به پیامبر (ص) گرایش پیدا کنند. عامل دیگر اینکه بودند کسانی که تا آن روز هنوز با توجه به علل مختلف حاضر به قبول اسلام نشده بودند، افرادی بودند لجاج و سبوح که یا به خاطر منافع خود یا به جهت جهل و عدم بینش واقعی قادر به درک حقیقت اسلام نبودند، دیگر ماندن در میان آنها جز ضربه خوردن از آنها و احتمالاً نابودی هیچ نتیجه‌ی دیگری نداشت.

از طرف دیگر، با توجه به اینکه اسلام دینی است که برای عموم افراد مردم بوده و تنها مخصوص افراد خاصی نمی‌باشد، لازم بود تا اسلامی که در محدوده‌ی مکه منحصر در افراد خاصی بوده از این منطقه فراتر برده شود. با توجه به اینکه مکه نتوانسته بود اسلام

را در خود جای دهد، طبیعی بود که نمی‌توانست محلی برای تشکیل یک نظام کامل اسلامی باشد؛ زیرا اولاً اکثریت آنها مسلمان نشده بودند و ممکن نبود نظامی دیگر در داخل نظام شرک و در جنب آن تأسیس شود. ثانیاً سماجت قریش و خودخواهی و کبر آنها مانع عمده در راه تشکیل نظام بوده و هیچ‌گاه آنان چنین اجازه‌ای را به مسلمین نمی‌دادند تا آنها نظامی را برای خود تشکیل دهند. اضافه بر آنکه در همان حالت عادی نیز از شکنجه‌های عملی و روحی علیه آنها غافل نبوده و در هر فرصتی سعی در ضربه زدن بر پیکر اسلام و مسلمین را داشتند (جعفریان، ۱۳۷۲: ۱۴۲-۱۳۹).

قریش از پیوستن پیامبر (ص) به سایر مهاجران می‌ترسید که مبادا نتایجی بیشتر از پیش‌بینی آنان داشته باشد. از این روی، قریش دست به کار شد و تا جایی که در توان داشت کوشید تا در کار هجرت اشکال تراشی کند و آن را از بین ببرد. اما کوشش آنان در مقابل پشتکار مهاجران به جایی نرسید.

پس از هجرت پیامبر (ص) به مدینه، هجرت گروهی آغاز شد. مهاجرت دسته‌جمعی مشکل تهیه‌ی مسکن و غذا به دنبال داشت. پیامبر (ص) آنان را به طور فردی و گروهی در خانه‌های انصار جای داد و خانه‌های آنان را تقسیم کرد. مهاجران مجرد را در خانه‌ی سعد بن خثیمه در نزدیکی مسجد قبا ساکن کرد (ابن ادریس، ۱۳۸۶: ۸۸).

بسیاری از نویسندگان، انتخاب هجرت را به عنوان یکی از راهکارهای موفق و برجسته در زندگی دینی، سیاسی و اجتماعی پیامبر (ص) محسوب می‌نمایند. این هجرت تنها منحصر به هجرت به مدینه نمی‌باشد. قبل از هجرت به مدینه در تاریخ اسلام شاهد هجرت مسلمین به حبشه هستیم. البته انتخاب حبشه به عنوان محل استقرار مسلمین در آن مقطع تاریخی با عنایت و تفکر سنجیده‌ی شخص پیامبر (ص) صورت گرفت. این مهاجرت دلیل بارزی بر ایمان و اخلاص عمیق مسلمانان بود. این هجرت بر مبنای تعالیم قرآنی صورت گرفت: «إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ» (عنکبوت/۵۶). سرزمین خدا



نقد بلاغی قصر در برخی از ترجمه‌های قدیم و جدید قرآن / سیمین ولوی ، طاهره تیزغم ۱۳۱

---

پهناور است، نقطه‌ای را برای زندگی برگزینید که در آنجا توفیق پرستش خدا را داشته باشید.

به همین دلیل هنگامی که اصحاب حضرت رسول (ص) از ایشان درباره‌ی مهاجرت کسب تکلیف نمودند، پاسخ ایشان چنین بود: «هرگاه به خاک حبشه سفر کنید، بسیار برای شما سودمند خواهد بود؛ زیرا بر اثر وجود یک زمامدار نیرومند و دادگر در آنجا به کسی ستم نمی‌شود و آنجا خاک درستی و پاکی است و شما می‌توانید در آن خاک به سر برید تا خداوند فرجی برای شما پیش آورد» (ابن‌هشام، ۱۳۷۵: ۱۹۹).

شیوه‌ی هجرت پیامبر (ص)

پیامبر پس از سیزده سال تحمل رنج در محیط بسته و پُر از کینه‌ی مردم مکه تصمیم گرفت این شهر را ترک کند و به یثرب هجرت نماید؛ زیرا مردم این شهر طیّی دو بیعت عقبه‌ی اولی و ثانی پذیرفتند که از پیامبر مانند زن و فرزند خود حمایت کنند و در راه او با سرخ و سیاه بچنگند (طباطبائی اردکانی، ۱۳۶۸: ۱۰۷).

فرمان مهاجرت که صادر شد، پیامبر (ص) دستور داد که پنهانی و پراکنده شهر را ترک گویند و قریش به شدّت از رفتن یاران محمد جلوگیری می‌کردند. برخی را باز می‌گرداندند و زندانی می‌کردند، برخی را با گروگان نگه داشتن همسرانشان مانع می‌شدند، ولی مسلمانان تصمیم گرفته بودند که از مکه هجرت کنند. گرچه محیط پیامبر(ص) محیط بدوی و ساده بود، اما قدرت رهبری و پختگی سیاسی خارق‌العاده‌ای داشت و یکی از بارزترین خصوصیات وی طرح نقشه‌های سیاسی پیچیده و پنهانی و رازداری شگفتی است که به خصوص در دوران زندگی پُر حادثه‌اش در مدینه تجلّی خاص دارد. مکه از تصمیم شخص پیامبر (ص) آگاه نبود، نه تنها مشرکان بلکه صمیمی‌ترین یاران و خویشان وی نیز کوچکترین حدسی نمی‌توانستند بزنند، چون غالباً فکر می‌کردند

که همچون هجرت به حبشه، وی یاران خویش را که در مکه همواره در معرض شکنجه و خطر مرگ به سر می‌بردند، به یثرب می‌فرستد و خود از آن روی که به خاندان عبد مناف وابسته است و جانش مصون از مرگ است، باقی خواهد ماند و به مبارزه‌اش ادامه خواهد داد.

در شب پنج‌شنبه اول ماه ربیع (سال چهاردهم بعثت) رسول خدا (ص) از مکه بیرون رفت و در همان شب علی (ع) در بستر رسول خدا بیتوته کرد و آن شب را لیلۃ المبیّت گفتند. پیامبر به فرمان خدا با ابوبکر بن اَبی قحافه شبانه عازم یثرب شد. سه روز در غاری نزدیک مکه که ثور نام داشت، توقف کردند تا آنان که به دنبال او می‌گشتند، نومید شدند، سپس از بیراهه رو به یثرب نهاد (شهیدی، ۱۳۶۶: ۴۶).

بر حسب روایت حاکم در مستدرک، در همین شب (شب هجرت) بود که رسول خدا (ص)، علی (ع) را همراه خویش به کعبه برد و علی پا بر شانه‌ی رسول خدا نهاد و بُت‌ها را از بالای کعبه به زیر انداخت (آیتی، ۱۳۶۶: ۲۱۴).

دو نکته که در حاشیه‌ی مباحث هجرت توجه به آن اهمیت دارد و به معناداری هجرت تأکید می‌کند و از لطایف این سفر شمرده می‌شود، این است که:

۱. به اتفاق سیره و تاریخ‌نویسان با آنکه شهر مدینه کاملاً آماده‌ی استقبال از پیامبر بود، به طوری که هیچ خانه‌ای از خانه‌های انصار نماند، مگر آنکه در آنجا از رسول اکرم (ص) سخن می‌رفت (نصیری، ۱۳۸۴: ۱۰۱). پیامبر (ص)، بر عکس بسیاری از رهبران، به محض احساس خطر، پیش از پیروانش از دام بلا نگریخت و آنها را در میان مشکلات و سختی‌ها رها نکرد، بلکه پس از حرکت مهاجران به مدینه تصمیم به هجرت گرفت. مورخان نوشته‌اند که در مکه از مسلمانان جز رسول خدا (ص)، ابوبکر، علی (ع) و برخی که محبوس یا بیمار یا ناتوان از سفر بودند، کسی باقی نماند.

نقد بلاغی قصر در برخی از ترجمه‌های قدیم و جدید قرآن / سیمین ولوی ، طاهره تیزغم ۱۳۳

۲. برخلاف بسیاری از رهبران، اموالی را که به رسم امانت نزد رسول خدا (ص) سپرده بودند، غنیمت نشمرده و به همراه خود نبرد، بلکه علی (ع) را در مکه گذاشت تا سپرده‌های مردم را بدانان بازگرداند، در حالی که همه‌ی آن مردم و صاحبان امانت از پیروان وی نبودند. طبری می‌نویسد: «پیامبر(ص)، علی (ع) را درباره‌ی خروج خود از مکه آگاه کرد و دستور داد که پس از وی در مکه بماند تا سپرده‌های مردم را که نزد پیامبر بود، از طرف او به آنها بپردازد و در مکه هیچ کس نبود که مالی نزد خود داشته باشد و بر آن بیمناک باشد، مگر که آن را نزد رسول خدا (ص) می‌نهاد. از آن رو که راستی و امانت‌داری وی بر همه معلوم بود» (طبری، ۱۳۶۲: ۳۷۸).

زمینه و علت هجرت به مدینه

وجود زمینه‌های لازم برای هجرت، پیامبر(ص) را تشویق به هجرت می‌کرد، اما نکته‌ی مهم اینجا بود که در کدام شهر و منطقه زمینه‌ی بیشتری برای گسترش اسلام فراهم می‌باشد؛ در یثرب یا مکان‌های دیگر همچون ایران، روم یا حیره و حتی در میان قبایل دیگری که در جزیره‌العرب زندگی می‌نمود؟ مسلماً این زمینه‌ها فقط در یثرب فراهم بود، آن هم به دلایلی از جمله موارد زیر:

۱- مردم یثرب نزدیک به دو قرن قبل به این منطقه آمده بودند و هنوز روحیه‌ی خشک اعرابی که شدت در کُفر و نفاق دارند (...أَشَدُّ كُفْرًا وَ نِفَاقًا...) (توبه/۹۷) پیدا نکرده و به نظر می‌رسید که یک تفاوت عمده با مردم اصلی جزیره‌العرب در قبول مکتب داشته باشند.

۲- روحیه‌ی قوی مردم یثرب: این روحیه‌ی پذیرش و قوی بودن آن در مدینه می‌تواند معلول صدق و صفایی باشد که مردم این خطه در اثر عدم ارتباط با سایر ملل و عدم برخورد با سایر فرهنگ‌ها در خود داشته باشند.

۳- نزدیک بودن به مکه: از طرف دیگر در هر حال پیامبر ملزم بود تا منطقه‌ای نزدیک به مکه را (در حالی که کعبه محور اساسی اسلام در آن است)، انتخاب کند تا بتواند آن را از سلطه‌ی مشرکین در آورد.

۴- امکانات کشاورزی فراوان: مدینه از جهت اقتصادی نیز به سبب دارا بودن امکانات کشاورزی تا حدّ زیادی خودکفا بوده است.

۵- اختلافات داخلی و آمادگی پذیرش یک رهبری: مدینه به سبب اختلافات داخلی و جنگ‌های درازمدت میان «اوس و خزرج»، خودبه‌خود آماده‌ی پذیرش یک رهبری بود؛ رهبری که بتواند با قداست و قدرت و قوت بین این دو قبیله که از جنگ بیزار شده بودند، پیوند همیشگی ایجاد کند.

۶- وجود بشارت‌های یهودیان مدینه: یهودیان شنیده بودند که پیامبری از نژاد عرب که مروج آیین توحید خواهد بود و حکومت بُت‌پرستی را از بین خواهد برد، به این زودی مبعوث خواهد شد. لذا با خود گفتند پیش از آنکه یهود، پیش‌دستی نماید ما او را یاری می‌کنیم.

۷- اهمیت سیاسی یثرب: یثرب افزون بر آن که از مهم‌ترین مراکز زراعی بود، بر سر راه کاروان‌های تجاری قرار داشت که عطریات را بین یمن و شام حمل می‌کردند. این موقعیت سبب شده بود که قدرت‌های رقیب آن زمان در این شهر طمع ورزند. این مسأله روح دشمنی را در میان آنان زنده می‌کرد و سبب جنگ‌هایی میان عرب و یهود از یک سو و نیز میان اوس و خزرج از سوی دیگر می‌شد. در نتیجه به دلیل همین اهمیت سیاسی، مدینه اندکی پیش از اسلام، از مرکزیت اقتصادی حسّاس در زمینه‌های تجاری و صنعتی بهره‌مند بود و ایستگاه تجاری مهمی برای بازرگانانی شد که از حجاز و یمن به شام و مشرق باز می‌گشتند.

سیر صعودی مهاجرت افراد به مدینه تا اندکی پیش از رحلت پیامبر (ص) ادامه داشت، به طوری که پس از فزونی یافتن جمعیت مردم در مدینه، با وجود کوچکی آن شهر، کار به جایی رسید که گاهی اوقات برای پیامبر(ص) ممکن نبود که بسیاری از اصحاب را بشناسند (ابن ادريس، ۱۳۸۶: ۹۹؛ به نقل از ابن حجر، ج ۱: ۱۵۷ و ج ۲: ۱۱۸).

ظاهراً پیامبر (ص) محدود کردن این هجرت نامنظم و بزرگ را ضروری می‌دید؛ زیرا اگر سیر مهاجرت استمرار می‌یافت، مدینه گنجایش مهاجران را نداشت و امکان تأمین نیازهای معیشتی آنان از بین می‌رفت. از این روی، پیامبر(ص) محدوده‌ای از شهر را حرم اعلام کرد تا گیاهان آن بریده و درختانش قطع نشود (ابن ادريس، ۱۳۸۶: ۹۱؛ به نقل از: بلاذری، ج ۱: ۷-۶).

حرم اعلام کردن مدینه، اثر زیادی در ثروت حیوانی و گیاهی شهر داشت. برخی مورخان مسلمان معتقدند که احکام حرم مدینه مانند حرم مکه نبود (ابن ادريس، ۱۳۸۶: ۸). همان طور که اشاره شد، تحریم مدینه به اقتضای ضرورتی بود که حدی برای سرازیر شدن مهاجران به مدینه و زیاد شدن تعداد آنان در شهر باشد که توان و گنجایش بیش از آن را نداشت.

به نظر می‌رسد چاره‌اندیشی برای جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه‌ی مهاجران، از سال پنجم هجرت آغاز شد؛ زیرا پیامبر(ص) به برخی قبایل مهاجر دستور داد که پیش اموال و سرزمین خود بازگردند. از آن تاریخ، پیامبر (ص) هنگام استقبال از هیأت‌های نمایندگی قبایل، علاقه‌مند بودند از آنها درباره‌ی سرزمینشان پرس‌و‌جو کند و دعا کند برایشان باران ببارد و هنگام بازگشت از مدینه به سرزمین خودشان آنها را تجهیز کند (ابن-ادريس، ۱۳۸۶: ۲۹۱) آنان یک ماه مهمان پیامبر بودند که در آن مدت بخشی از تعالیم اسلام و سوره‌ی فاتحه و هر مقدار ممکن از قرآن را فرا می‌گرفتند (ابن ادريس، ۱۳۸۶:

۱۰۰، به نقل از ابن حجر، ج ۱: ۵۳ و ۷۸، و ج ۳: ۳۴۲ و ۴۳۵). طیّ سال‌های پنجم تا زمان فتح مکه مطلبی به دست نیامد که نشان دهد پیامبر (ص) قبایل را به ماندن در مدینه یا هجرت به آن تشویق کرده باشند، چنان‌که پیامبر (ص) به صراحت اعلام کردند پس از فتح مکه هجرتی نیست، اما تا وقتی که دشمن حمله می‌کرد به افرادی که توانایی جنگیدن داشتند، برخلاف دیگران اجازه‌ی هجرت می‌دادند.

پایان گرفتن مسأله‌ی هجرت، به انتشار اسلام در میان قبایل یمن، شام و دیگر نواحی جزیره‌العرب منجر شد. به آن سبب که گروه‌های زیادی نزد پیامبر (ص) می‌آمدند، احکام دین را می‌آموختند و نزد قوم خود بازمی‌گشتند و از اسلام سخن می‌گفتند و قوم خود را به اسلام دعوت می‌کردند.

ره‌آورد هجرت پیامبر (ص) به مدینه

#### ۱- بسترسازی برای تشکیل حکومت اسلامی

رسول خدا بعد از ورود به مدینه از همان آغاز به فکر تأسیس حکومت اسلامی و نبوی گردید و اقدام به بسترسازی و زمینه‌سازی‌های لازم نمود و در همان سال اوّل هجرت سه کار مهمّ و اساسی در این زمینه انجام داد:

##### ۱-۱) بنای مسجدالنبی پایگاهی برای امت اسلامی

اوّلین اقدام بزرگ رسول خدا این بود که یک جایگاه و مرکز عمومی به نام مسجد ساخت که دومین مسجدی است در اسلام بعد از مسجد قُبا که امروز به نام «مسجدالنبی» در جهان معروف است (روحانی، ۱۳۸۵: ۸۷).

##### ۱-۲) عقد أُخوّت

نقد بلاغی قصر در برخی از ترجمه‌های قدیم و جدید قرآن / سیمین ولوی ، طاهره تیزغم ۱۳۷

دومین اقدام مهم این بود که در میان مردم مدینه مخصوصاً دو طایفه‌ی بزرگ اوس و خزرج اختلافات خونین و آشتی‌ناپذیر چندین صد ساله حاکم بود. از طرف دیگر، گروهی از مسلمانان از مکه و نقاط مختلف دیگر به مدینه آمده بودند و بومی نبودند، گروه مهاجر نامیده می‌شدند و گروهی نیز اهل مدینه و بومی و معروف به گروه انصار بودند و هر قوم و گروهی نیز فرهنگ‌ها و سلیقه‌های خاص خود را آمیخته با تعصبات داشتند. تألیف دل‌ها و پیوند دادن در میان این همه جناح‌های تند و ریشه‌دار اجتماعی و متعصب و در صف واحد قرار دادنشان امر بسیار سخت و مشکلی بود و یک امر غیرعادی و معجزه می‌نمود. رسول خدا (ص) در حل این معضل اساسی و اجتماعی به موعظه، نصیحت و دعوت به وحدت و بر حذر داشتن از اختلافات و عواقب آن اکتفا نکرد، بلکه اقدام عملی نمود و مسلمانان را در مسجد و در همان پایگاه عمومی گرد آورد و مراسم عقد اُخوت و برادری در میانشان برگزار نمود و همه‌ی آن‌ها را بر اساس یک محاسبات اصولی با همدیگر برادر کرد و عقد اُخوت در میانشان جاری نمود و خود نیز با علی (ع) عقد اُخوت بست و با این کار، خصومت‌ها و کدورت‌ها را از جامعه‌ی اسلامی زدود و عشق و محبت را جایگزین نمود (هاشم زاده‌ی هریسی، ۱۳۸۳: ۱۱)

### ۱-۳) تدوین قانون اساسی

رسول خدا (ص) قدم سومی که در همان سال اوّل هجرت در زمینه‌ی بسترسازی برای تشکیل حکومت اسلامی برداشت، این بود که اقدام به تنش‌زدایی کامل و همه‌جانبه نمود و طرح تنش‌زدایی را در جامعه‌ی مدنی طراحی و اجرا فرمود و پیمان‌های مختلف عدم معارضه و مخاصمه و عدم تعرض و تنش و پیمان سلم و مسالمت در میان افراد و گروه‌های مختلف مسلمانان و جناح‌ها و قبایل مختلف مسلمین با همدیگر بست و پیمان دیگری نیز بین مسلمانان و گروه‌های مختلف یهود که در مدینه از نفوذ ثروت و قدرت

زیادی برخوردار بودند، برقرار نمود و پیمان سومی نیز در میان مسلمانان و انصار و آیین‌ها و قبایل مختلف دیگر منعقد کرد و همه‌ی آنها را در مسیر حمایت از اسلام و مسلمین قرار داد و حداقل از مزاحمت‌ها و دردهای احتمالی آنان پیشگیری نمود.

رسول خدا (ص) با این سه سیاست و تدبیر بزرگ و اساسی یعنی مسجد، اخوت و پیمان‌ها که همان اولین سال هجرت انجام داد، اهداف زیادی را در تأسیس و تحکیم حکومت اسلامی و توسعه‌ی اسلام و اصلاح امور جامعه تأمین کرد که مهم‌ترین آنها ایجاد انسجام و وحدت ملی، پیوند و وفاق اجتماعی و تأمین محیط امن، آرام و سالم و کم‌دردسر و فضای رحمت و محبت در جامعه‌ی مدنی جدید مدینه‌ی طیبه بود، به طوری که می‌توان آن را یکی از معجزات رسول خدا شمرد که از طریق تدبیر و بسترهای طبیعی فراهم ساخت (همان).

## ۲- تشکیل حکومت اسلامی

از پیامدهای دیگر هجرت پیامبر (ص) بر روند گسترش اسلام تشکیل حکومت اسلامی در مدینه بود که آن حضرت به عنوان رهبر حکومت در رأس آن قرار داشت. پیامبر (ص) در مکه نخستین مرحله را با تشکیل امت اسلامی طرح‌ریزی نمود، اما در مدینه آن را به صورت کلی و حقیقی به جهان آن روز عرضه نمود (آئینه‌وند، بی‌تا: ۵۴).

## ۳- جهانی شدن نهضت اسلام

پس از اینکه پیامبر (ص) از موفقیت نقشه‌ی خود برای ایجاد یک جامعه‌ی اسلامی قدرتمند در مدینه اطمینان یافت، برای ساختن اجتماع اسلامی بزرگ و گسترش نفوذ آن در همه‌ی جهان، اجرای مرحله‌ی دیگری را آغاز کرد. این کوشش با اعزام سربیه‌هایی به اطراف مدینه با هدف حفظ امنیت، تأمین سلامت مرزها و تأکید بر قدرت و برتری



نقد بلاغی قصر در برخی از ترجمه‌های قدیم و جدید قرآن / سیمین ولوی ، طاهره تیزغم ۱۳۹

مسلمانان آغاز شد. هدف دیگر، پیمان بستن با قبایل اطراف مدینه با این تأکید بود که به مسلمانان حمله نکنند و مسلمانان نیز به آنها حمله نکنند و در برابر مسلمانان کسی را یاری ندهند. به دلیل آنکه بزرگ‌ترین خطری که اسلام را در مدینه تهدید می‌کرد، از جانب قریش بود، از این رو، در ابتدا حملات متمرکز نظامی با هدف قطع راه‌های تجاری قریش به شام و عراق سازماندهی می‌شد، تا از طریق آن جنگ‌ها و گرفتن اموال، قریش را در محاصره قرار دهند. همه‌ی این فعالیت‌ها سرانجام قریش را به امضای صلح حُدیبیّه با مسلمانان و اعتراف به برتری مسلمانان در مدینه مجبور ساخت (جعفریان، ۱۳۷۲: ۱۹۶).

### ۳-۱) فتح مکه

«مکیان در رویداد صلح حُدیبیّه با پیامبر (ص) پیمان بسته بودند که به مسلمانان و هم‌پیمانان آنها تجاوز نکنند، ولی پیمان خود را شکسته و با قبیله‌ی «بنی‌بکر» همکاری کردند تا قبیله‌ی «خُزاعه» را که از هم‌پیمانان مسلمانان بود، نابود سازند. از طرفی، شمار علاقه‌مندان به مکتب تعالی‌بخش اسلام در مکه رو به فزونی نهاد و خود را برای استقبال از پیامبر اکرم (ص) آماده می‌نمودند. این امور سبب شد تا رسول خدا (ص) رهسپار مکه شود و بدون خونریزی آن سرزمین مقدّس را از سلطه‌ی کافران خارج کند» (نصیری، ۱۳۸۴: ۱۲۳).

با فتح مکه شکست شرک در جزیره‌العرب قطعی شد و سال هشتم هجری تا سال دهم اکثر قبایلی که اسلام نیاورده و تا آن روز نگاهشان به قریش بود، نزد پیامبر آمدند و تسلیم شدند» (جعفریان، ۱۳۷۲: ۲۰۰).

### ۳-۲) گسترش اسلام به خارج از جزیره‌العرب

در سال ششم هجرت، اسلام بیشتر بخش جزیره‌العرب را به زیر پرچم توحید و تعالیم اجتماعی و اخلاقی خود قرار داد و موقعیت لازم فراهم آمد تا این فرهنگ ناب به سایر ملل جهان عرضه شود. پیامبر (ص) از همان روزهای اوّل بعثت اعلام کرده بود که به زودی رسالت او در همه جا گسترده خواهد شد و گنج‌های قیصر و کسری به زیر سلطه‌ی اسلام در خواهد آمد. به هر حال، غیر از این گفتار بعدها پیامبر (ص) دست به حرکت‌های گسترده‌ی دیگری زد تا زمینه‌های اولیه‌ی نفوذ اسلام را به خارج از جزیره‌العرب فراهم کند (جعفریان، ۱۳۷۲: ۲۱۷).

### ۳-۳ دعوت زمامداران به اسلام

با پیمان حُدیبیّه رسول خدا (ص) را فرصتی به دست آمد تا پادشاهان و زمامداران کشورهای مجاور جزیره‌العرب را به اسلام دعوت کند. گرچه این نامه‌ها در یک سال فرستاده نشده، ولی از اواخر سال ششم پس از پیمان حُدیبیّه نگارش این نامه‌ها آغاز شد و تا چند سال ادامه داشته است (حسینی ادیانی، ۱۳۸۱: ۲۴۶). این دعوت‌ها اگر چند - جز در جواب‌های ملایم حاکم مصر و نجاشی - جواب مساعدی نیافت، لیکن خود موفقیتی به شمار می‌آمد (زرّین کوب، ۱۳۶۹: ۳۶).

### ۴- استقلال مسلمین

از حوادث و جریان‌هایی که به استقلال مسلمین انجامید، می‌توان به حادثه‌ی تغییر قبله و انتخاب هجرت به عنوان مبدأ تاریخ اسلام اشاره کرد:

#### ۴-۱ تغییر قبله

نقد بلاغی قصر در برخی از ترجمه‌های قدیم و جدید قرآن / سیمین ولوی، طاهره تیزغم ۱۴۱

از جمله اقدام‌هایی که در تثبیت حکومت اسلامی مدنی مؤثر بود و مسلمانان به استقلال فرهنگی و اجتماعی دست یافتند، مسأله‌ی تغییر قبله بود که در نیمه‌ی رجب سال دوم هجرت فرشته‌ی وحی فرمان تغییر قبله را ابلاغ کرد. این تغییر قبله بر یهودیان و منافقان بسیار گران آمد و فاصله‌ی میان مسلمانان و یهودیان را بیشتر و توجه اعراب را به اسلام جلب کرد (روحانی، ۱۳۸۵: ۹۳).

این تغییر قبله در محله‌ی بنی سالم بن عوف اتفاق افتاد، لذا این مسجد را ذوقبلتین می‌نامند که نشان استقلال و اعجاز علمی است و آیات ۷۸ سوره‌ی حج و ۱۴۳ و ۱۴۴ سوره‌ی بقره در این مورد نازل شده است (حسنی، ۱۳۷۳: ۱۸۵).

## ۲-۴) انتخاب هجرت به عنوان مبدأ تاریخ

هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه اسلام را به راه تازه‌ای افکند و برای مسلمانان و همه‌ی جهانیان تاریخ جدیدی را آغاز کرد. به همین سبب بود که چند سال بعد - در عهد خلافت عمر بن خطاب - مبدأ تاریخ اسلام گشت (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۳۱). انتخاب هجرت مسلمانان اولیّه از مکه به مدینه به عنوان مبدأ تاریخ جای تأمل بسیار دارد؛ زیرا سنت تاریخی همواره بر این بوده است که مبدأ تاریخ را ولادت رهبر یک نهضت یا مذهب می‌گرفتند و یا پیروزی درخشانی که بدان نائل آمده‌اند. اما در اسلام هیچ کدام انتخاب نشد؛ نه میلاد پیامبر(ص)، نه فتوحات بزرگ وی به خصوص فتح مکه که قاعدتاً باید مبدأ تاریخ سیاسی اسلام می‌شد و نه حتی بعثت، بلکه هجرت برای این منظور انتخاب گردید (جعفریان، ۱۳۷۲: ۱۴۷).

اگرچه تأسیس مبدأ تاریخ مسلمانان در سال هفدهم هجری در دوره‌ی خلافت عمر صورت گرفت، لیکن از بعضی روایات برمی‌آید که پیامبر اسلام هجرت را برای مبدأ تاریخ اسلام تعیین کردند و تاریخ هجری با ورود پیامبر (ص) به مدینه آغاز شد و

حضرت محمد (ص) با ورود به مدینه به برقراری تاریخ فرمان داد که این تاریخ از ربیع‌الأول آغاز گشت و در زمان عمر این تاریخ تثبیت شد (ر.ک؛ منتظرالقائم، ۱۳۷۳: ۱۰۹).

### نتیجه‌گیری

هجرت مسلمانان و رسول خدا (ص) امکان رشد و گسترش سریع اسلام را فراهم ساخت و در نتیجه توانستند به تشکیلات سیاسی و نظامی دست یابند. وجوب هجرت به مدینه تا زمان فتح مکه ادامه داشت. مهم‌ترین هدف رسول خدا (ص) از این دستور، تجمع مسلمانان در یک نقطه بود تا در لوای اسلام و دستورات آن، نظام نوپای اسلامی ایجاد کنند و جامعه‌ی جاهلی را به سمت جامعه‌ی اسلامی تغییر دهند و از نیروی متفرق مسلمانان برای استقرار نظام اسلامی با تعلیم و تربیت و تزکیه بیشترین بهره را برند.

بحث از سیره و روش انبیای الهی و شناخت ابعاد مختلف زندگی آنها در هر زمانی مطرح بوده و هست. در این میان، شناخت تلاش‌های پیامبر اکرم (ص) در زمینه‌ی تشکیل حکومت اسلامی و آثار آن بسیار حائز اهمیت است. هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه از آن جهت حائز اهمیت است که هم مبدأ تاریخ اسلام از آن زمان آغاز می‌گردد و هم در پی آن اولین حکومت اسلامی پا به عرصه‌ی وجود می‌گذارد. در حقیقت، دین مبین اسلام از آن به بعد توانست حرکت اصولی و بنیادین خود را آغاز کند و اسلام در جزیره‌العرب و بعدها تا ایران و بخشی از اروپا حاکمیت پیدا کند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

آیتی، محمدابراهیم. (۱۳۶۶). تاریخ پیامبر اسلام. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

نقد بلاغی قصر در برخی از ترجمه‌های قدیم و جدید قرآن / سیمین ولوی ، طاهره تیزغم ۱۴۳  
آیینه‌وند، صادق. (بی‌تا). *تاریخ سیاسی اسلام*. چاپ اول. تهران: مرکز فرهنگی علامه  
طباطبایی.

ابن هشام، عبدالملک. (۱۳۷۵). *ترجمه‌ی سیرة النبویة (زندگانی محمد ص) پیامبر  
اسلام*. جلد ۱. ترجمه‌ی سید هاشم رسولی محلاتی. چاپ پنجم. تهران: انتشارات کتابچی.  
ابن ادريس، عبدالله عبدالعزيز. (۱۳۸۶). *جامعه‌ی مدینه در عصر نبوی*. ترجمه‌ی شهلا  
بختیاری. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و انتشارات سمت.  
جعفریان، رسول. (۱۳۷۲). *تاریخ سیاسی اسلام*. چاپ سوم. تهران: وزارت فرهنگ و  
ارشاد اسلامی.

حسینی، علی اکبر. (۱۳۷۳). *تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام*. چاپ اول. تهران: دفتر نشر  
فرهنگ اسلامی.

حسینی ادیانی، سید ابوالحسن. (۱۳۸۱). *پژوهشی در تاریخ پیامبر اسلام*. جلد ۲. چاپ  
اول. تهران: انتشارات دانشگاه الزهراء.  
حسینی دشتی، سید مصطفی. (۱۳۸۵). *معارف و معاریف*. جلد ۵. تهران: مؤسسه‌ی  
فرهنگی آرایه.

راغب اصفهانی، حسن بن محمد. (۱۳۸۶). *مفردات الناصر القرآن*. ترجمه‌ی مصطفی  
رحیمی نیا. چاپ اول. تهران: نشر سبحان.

روحانی، سید سعید. (۱۳۸۵). *تاریخ اسلام از جاهلیت تا رحلت رسول خدا*. جلد اول.  
چاپ پنجم. قم: انتشارات نجم الهدی.

زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۹). *بامداد اسلام*. چاپ ششم. تهران: انتشارات امیرکبیر.  
شهیدی، جعفر. (۱۳۶۶). *تاریخ تحلیلی اسلام؛ درسنامه‌ی مراکز تربیت معلم*. بی‌جا:  
انتشارات احمدی.

طباطبایی اردکانی، سید محمود. (۱۳۶۸). *تاریخ اسلام*. تهران: انتشارات پیام نور.

- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۸۰). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. جلد ۸. ترجمه‌ی علی کرمی. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۶۲). *تاریخ الرسل و الملوک*. جلد ۳. ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده. چاپ دوم. تهران: انتشارات اساطیر.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (بی تا). *تفسیر المیزان*. ترجمه‌ی سید محمدباقر موسوی همدانی. جلد ۱۶. قم: انتشارات جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه.
- عمید، حسن. (۱۳۶۴). *فرهنگ فارسی*. جلد ۲. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مجتبوی، سید حسن. (بی تا). «زمینه‌های هجرت». *نشریه‌ی جاوید ابریشم*. شماره‌ی ۲۱.
- معین، محمد. (۱۳۸۴). *فرهنگ فارسی*. تهران: انتشارات ادنا.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (بی تا). *تفسیر نمونه*. جلد ۴. تهران: انتشارات دارالکتب.
- منتظرالقائم، اصغر. (۱۳۷۳). *تاریخ صدر اسلام*. چاپ چهارم. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- نصیری، محمد. (۱۳۸۴). *تاریخ تحلیلی صدر اسلام*. چاپ دوم. قم: دفتر نشر معارف.
- واحدی، محمدصادق. (۱۳۷۹). «هجرت و عبرت». *نشریه‌ی مشکوة*. شماره‌ی ۶۶.
- هاشم‌زاده‌ی هریسی، هاشم. (۱۳۸۳). «هجرت رسول خدا؛ پیامدها و پیام‌های آن». *نشریه‌ی صدای عدالت*. اردیبهشت ۸۳.